

پیروزی بزرگ مقاومت

عدم تحقق اهداف رژیم اشغالگر قدس در لبنان، منجر به انعقاد توافق آتش بس میان این رژیم و بیروت شد. این آتش بس، مصداق پیروزی جبهه مقاومت است. آنچه اخیرا در لبنان رخ داده، ترجمانی از همان پیروزی سال ۲۰۰۶ میلادی (جنگ ۳۳ روزه) با برخی تغییرات بوده است. هدف رژیم اشغالگر قدس از هر دو جنگ، چه در سال ۲۰۰۶ و نبرد کنونی، نابودی ماهیت و موجودیت مقاومت لبنان بود اما پایداری حزب... و حامیان آن ازجمله جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های مقاومت عراق، سبب شد تا پیروزی بزرگی برای کل جبهه مقاومت رقم بخورد. امروز همگان، حتی دشمنان مقاومت اذعان دارند که اگر صهیونیست‌ها به اهداف میدانی خود در جنگ لبنان دست پیدا می‌کردند، هرگز خبری از انعقاد پیمان آتش بس نبود. بنابراین، آنچه در لبنان رخ داده، یک پیروزی عینی و تمام‌عیار با معیارهای کیفی و قابل سنجش بوده و بابت آن باید به تمامی ملت‌های آگاه و آزاده جهان تبریک گفت.

جهت سنجش ابعاد این پیروزی بزرگ، بهتر است مروری بر مواضع اولیه رژیم اشغالگر قدس در روزهای اول جنگ لبنان و غزه داشته باشیم؛ نتایج‌ها بارها مدعی شد که رژیم صهیونیستی قصد دارد گروه‌های مقاومت درمنطقه را جملگی نابود ساخته و موجودیت آنها را از بین ببرد، به گونه‌ای که آنها دیگر در معادلات قدرت منطقه اساسا جایی نداشته باشند اما درنهایت، تل‌آویو مجبور شد به میز مذاکره بیاید؛ هم در لبنان و هم در غزه!

سؤال اصلی اینجااست که چه چیزی جز فرسایشی شدن جنگ، رژیم اشغالگر قدس را پای میز مذاکرات کشاند؟ در اینجا با عامل دیگری تحت عنوان اثبات برتری میدانی مقاومت بر دشمن صهیونیستی در میدان و ضربات پی‌دربی و مستمری مواجه بودیم که حزب... در نبرد زمینی و موشکی به رژیم اشغالگر و نامشروع صهیونیستی وارد ساخت؛ ضرباتی که قبل از وقوع، برای تل‌آویو قابل محاسبه نبود و بسیاری از پیش‌فرض‌ها و ذهنیت‌های اولیه مخاطبان و ناظران این آوردگاه را تغییر داد.

حجم انتقاداتی که امروز در اراضی اشغالی به نتایج‌ها وارد می‌شود، انعکاسی از فاصله‌ای است که میان اهداف اعلامی اولیه و وضعیت کنونی میدان جنگ در لبنان و غزه حاکم است. امروز شاهدیم که در کابینه و احزاب سیاسی اسرائیل، انتقادات زیادی به نتایج‌ها وارد می‌شود. به این دلیل که آنچه امضا شده، شکست برای نتایج‌ها و رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. حتی برخی نزدیکان نتایج‌ها در کابینه ائتلافی رژیم اشغالگر قدس، نمی‌توانند خشم و ناراضایتی خود را نسبت به این شکست مطلق پنهان سازند.

رهبر انصارا... آماده مقابله با

صهیونیست‌ها در سطحی هستیم

رهبر انصار... یمن با اعلام این‌که از آغاز حمایت یمن از غزه، ارتش ۱۱۴۷ موشک بالستیک و کروز و پهپاد به عمق اراضی اشغالی شلیک کرده‌است، تأکید کرد: آماده مقابله با هر سطحی از تشدید تنش هستیم و از موضع خود در حمایت از مردم فلسطین کوتاه نخواهیم آمد. عبدالملک الحوثی طی سخنرانی خود تأکید کرد: ملت فلسطین از حق مشروع، اخلاقی و قانونی برای مقابله با دشمن اسرائیلی برخوردار است.

وی با اشاره به تجاوزات مکرر رژیم صهیونیستی به لبنان و نقض آتش بس گفت: دشمن با وجود توافق آتش بس و با وجود پایبندی لبنان به تعهدات خود به حملات خود به لبنان ادامه می‌دهد. وی در پخش دیگری از سخنانش به اشغالگری رژیم صهیونیستی در جولان اشغالی سوریه اشاره کرد و گفت: مسیر و هدف اسرائیل در سوریه، نفوذ به سمت سویدا و تلاش برای اتصال آن به مناطق با ده تحت کنترل آمریکاست. رژیم اشغالگر کنترل خود بر کوه استراتژیک الشیخ سوریه را یک دستاورد بسیار بزرگ می‌داند، زیرا بر تمام سوریه مشرف است.

عبدالملک الحوثی همچنین به اقدام صهیونیست‌ها در نابودی توانمندی نظامی ارتش سوریه اشاره کرد و گفت: رژیم اشغالگر توانمندی‌های ارتش سوریه را که متعلق به همه مردم سوریه است، از بین برد. وی تخریب توانمندی‌های سوریه توسط رژیم صهیونیستی را تجاوزی جنایتکارانه، وقاحت‌آمیز و نقض حاکمیت این کشور دانست و مایه تاسف خواند.

رسانه‌های لهستانی گزارش داده‌اند که نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به دلیل نگرانی از احتمال بازداشت، از سفر به این کشور برای شرکت در مراسم هشتادمین سالروز آزادسازی اردوگاه‌های نازی (آشویتس) خودداری خواهد کرد. همچنین گزارش‌ها حکایت از آن دارد که اسحاق هرزوگ، رئیس رژیم صهیونیستی برنامه‌ای برای شرکت در مراسم مربوط به این سالگرد در لهستان در ماه

نتایج‌ها

از ترس بازداشت

لهستان نمی‌رود!

آینده میلادی ندارد. روزنامه لهستانی رزیکزپوسپولیتا نوشت، مقام‌های رژیم صهیونیستی با همتایان لهستانی خود برای حضور در این رویداد تماسی نداشته‌اند و مقام‌های ورشو معتقدند که علت آن با رویکرد لهستان در پایبندی به حکم بازداشت دادگاه کیفری بین‌المللی علیه بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی است. ولادیسلاو بارتوشفسکی، معاون وزیر خارجه

تشکیلات خودگردان به جای صهیونیست‌ها، مقاومت را هدف قرار می‌دهد

چشم‌بند موشه دایان
بر چهره ابومازن!

ابومازن و همراهانش در تشکیلات خودگردان، به جای آن‌که سلاح‌های خود را به سوی دشمن صهیونیستی که نقشه تسخیر کامل سرزمین مقدس فلسطین را کشیده نشانه بگیرند، با حمایت کامل موساد و ارتش رژیم اسرائیل، در حال سرکوب رزمندگان مقاومت در کرانه باختری هستند. روزنامه عبری «اسرائیل هیوم» (اسرائیل امروز) دراین باره اذعان کرده که رژیم اشغالگر قدس بنا به درخواست آمریکا، با انتقال سلاح و مهمات به تشکیلات خودگردان فلسطین در شهرهای فلسطینی ازجمله رام...، جنین، نابلس و دیگر شهرهای کرانه باختری موافقت کرده است.



راه حل دودولت باور دارند و حتی پیش از حملات حماس به اسرائیل هم بیشتر فلسطینی‌ها و صهیونیست‌ها معتقد بودند نمی‌توانند در کنار یکدیگر به‌صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند. نظرسنجی‌های انجام‌شده در اراضی اشغالی، غزه و کرانه باختری که توسط مرکز تحقیقات پیو انجام شده نشان می‌دهد که حتی پیش از عملیات غرورآفرین طوفان الاقصی، از هر سه نفر تنها یک نفر امکان حل سیاسی مناقشه فلسطین را محتمل می‌دانسته است. پیام این

نظرسنجی کاملا مشخص است: نخست این‌که برخلاف تلاش تشکیلات خودگردان برای تثبیت گفت‌مان سازش در نوار غزه و کرانه باختری، فلسطینیان تسلیم این رویکرد خطرناک و آدرس‌انحرافی نشده‌اند. عزم فلسطینیان مبنی بر مبارزه با صهیونیست‌ها، منبعث از ایمان آنها به گفت‌مان مقاومت و متعلقات آن است. حقیقتی که محمود عباس هیچ‌گاه حاضر به درک آن نشده است. پیام دوم این نظرسنجی، معطوف به

برش

بازی تشکیلات خودگردان در زمین دشمن

بازی علنی تشکیلات خودگردان فلسطین در زمین دشمن صهیونیستی و آمریکایی تا‌رگی ندارد؛ بی‌دلیل نیست که ابومازن به نماد سازش، تسلیم و شکست در رام... تبدیل شده و هر روزه، تعداد بیشتری از ساکنان فلسطینی از رویکرد وی در رأس این تشکیلات نفرت پیدا می‌کنند. تشکیلات خودگردان فلسطین در ۱۵ سال اخیر، به جای حمایت از کودکان غزه و تلاش حداکثری برای جلوگیری از نسل‌کشی فلسطینیان ساکن این منطقه، چشم به بازی واشنگتن و برخی متحدان منطقه‌ای و اروپایی آن دوخته است. به نظر می‌رسد استراتژی همیشگی تشکیلات

لهستان که مسئول هماهنگی این مراسم نیز هست در گفت‌وگو با این روزنامه اظهار داشته که کشورش به احکام دادگاه بین‌المللی کیفری در لاهه پایبند است. طبق این گزارش، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی به خاطر ترس از بازداشت، از سفر به این کشور برای حضور در مراسم هشتادمین سالروز آزادسازی اردوگاه نازی‌ها (آشویتس) خودداری خواهد کرد.

اراضی اشغالی است. به نظر می‌رسد ابومازن به جریانات و گروه‌هایی در اراضی اشغالی امید بسته است که تأکید آنها بر راهکار انتزاعی دودولتی حتی مورد قبول ساکنان اشغالگر تل‌آویو، حیف و شهرک‌های صهیونیستی قرار نگرفته است. به عبارت بهتر، ابومازن به‌صورت توأمان در شناخت جامعه صهیونیستی و فلسطینی با بحران شناختی و محاسباتی مواجه بوده و در برهه کنونی نیز این سوءمحاسبه در گفتار و رفتار

خودگردان درخصوص بهره‌گیری از شکاف‌ها و منازعات (میان غزه و رژیم صهیونیستی) به سود اثبات و تقویت موقعیت خود در رام...، بیش از هر زمان دیگری پرزنگ‌تر شده است. از زمان مقاومت ۲۲ روزه غزه در سال ۲۰۰۸ میلادی تاکنون، چندین بار تشکیلات خودگردان حول همین استراتژی رفتارها و تاکتیک‌های خود را تنظیم کرده و البته به هیچ نتیجه‌ای جز انزوای بیشتر نرسیده است. این مسأله، قطعا آینده تشکیلات خودگردان (حتی در صورت تسلط ظاهری بر کرانه باختری و نوار غزه) را زیر سؤال می‌برد. به عبارت بهتر، محمود عباس، آینده خود و تشکیلات سرگردان خود را نیز تحت‌الشعاع معامله‌ای وقیحانه و محکوم به تباهی با رژیم کودک‌کش صهیونیستی قرار داده و از این رو، تاریخ فلسطین و منطقه هیچ‌گاه ابومازن را نخواهد بخشید.



وی مشهود است. در شرایطی که افرادی مانند بن‌گویر و اسموتریچ و نتانیا‌هو، در حال عملیاتی‌سازی اخراج اعراب ساکن اراضی اشغالی و یک‌دست‌سازی نژادی و قومیتی صهیونیست‌ها هستند، توهم صلح با رژیم اشغالگر و کودک‌کش صهیونیستی مصداق خطا و خیانت محسوب می‌شود. فراتر از آن، حتی گردش قدرت میان جریانات لیبرال و محافظه‌کار نیز پیام‌آور صلح با تل‌آویو (آن‌هم از نگاه فلسطینیانی که هم‌افزایی جریانات سیاسی و امنیتی رژیم صهیونیستی علیه خود در بمباران غزه (امشاهده می‌کنند) نخواهد بود. بهتر است تشکیلات خودگردان تا قبل از این‌که فلسطینیان بیش‌ازپیش نسبت به ابومازن و همراهانش ناامید و خشمگین نشده‌اند، رویکرد پرهیزنه و خطرناک خود را در قبال عملیات طوفان الاقصی و تحولات غزه تغییر دهد.

ابومازن پل‌های زیادی را پشت سر خود در غزه و کرانه باختری خراب کرده و با خیانت اخیرش در کرانه باختری، دیگر فرصتی برای بازگشت ندارد. ابومازن، چشم‌بند موشه دایان را بر چهره زده و بیش از هر زمان دیگر، وابستگی خود را به تل‌آویو آشکار ساخته است.

و جنگ پهبادی آشکار بوده است. این همکاری به‌طور قابل‌توجهی عملیات روسیه را مختل کرده و مسکو را مجبور به بازنگری در تعهدات و استراتژی‌های خود در منطقه کرده است.

پیامدهای استراتژیک برای روسیه

این ترور، یک آسیب‌پذیری بحرانی در چهارچوب امنیتی روسیه را آشکار می‌کند. اگر بازیگران خارجی بتوانند یکی از محافظت‌شده‌ترین شخصیت‌های سلسله‌مراتب نظامی روسیه را هدف قرار دهند، پیامدها برای امنیت ملی بسیار نگران‌کننده است. حتی بیشتر از آن، پتانسیل یک اثر دومینویی وجود دارد که به‌ربران نظامی و سیاسی بیشتری هدف قرار گیرند، در تلاشی حساب‌شده برای تضعیف اقتدار کرملین. پاسخ روسیه به این حادثه در تعیین وضعیت آینده امنیتی آن، محوری خواهد بود. نادیده گرفتن پیامدهای گسترده این ترور دشمنان را به انجام عملیات‌های مشابه تشویق خواهد کرد. در مقابل، پاسخی قوی و حساب‌شده، چه از نظر دیپلماتیک و چه عملیاتی، می‌تواند از تجاوز بیشتر جلوگیری کند.

شباهت‌ها با عملیات‌های پیشین موساد

شهرت موساد به‌عنوان یکی از مؤثرترین سازمان‌های اطلاعاتی جهان بر توانایی آن در اجرای ترورهای برون‌مرزی استوار است. این سازمان بارها نشان داده که برای تأمین منافع امنیتی رژیم اسرائیل آماده اقدام یک‌جانبه است. در حال حاضر، نفوذ روسیه به‌عنوان یک چالش جدید برای این رژیم تلقی می‌شود. شباهت‌های ترور کیریلوف با عملیات‌های پیشین موساد قابل چشم‌پوشی نیست. استفاده از مواد منفجره با کنترل از راه دور و

کردند؛ هیچ‌کس، صرف‌نظر از مقام و اهمیت، از دسترس عملیات ترور در امان نیست. این امر پیامدهای عمیقی برای روحیه نخبگان و نااطمینانی را وارد معادلات آنها می‌کند. تأثیر روانی این اقدام به دشمنان روسیه نیز گسترش می‌یابد. برای اوکراین، این عملیات، چه مستقیما دخیل بوده باشد یا نه، باعث افزایش روحیه می‌شود و توانایی نفوذ به عمق خاک دشمن را به نمایش می‌گذارد. برای رژیم اسرائیل، این اقدام تصویر آن را به‌عنوان بازیگری توانمند و قاطع در برابر دشمنانش تقویت می‌کند.

ل‌زوم با‌زنگری راهبردی

برای روسیه، ترور ژنرال کیریلوف یک زنگ خطر است. کرملین باید تهدید چندوجهی ناشی از بازیگرانی چون موساد و متحدانش را به رسمیت بشناسد. این امر نیازمند بازنگری جامع در سیاست‌های امنیتی روسیه، چه در داخل و چه در عرصه بین‌المللی است. در سطح داخلی، روسیه باید شکاف‌هایی را که امکان چنین عملیاتی را فراهم کردند، رفع کند. تقویت توانایی‌های ضدجاسوسی، بهبود اقدامات نظارتی و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های پیشگیری ضروری است. در سطح بین‌المللی، روسیه باید راهبردهای دیپلماتیک و نظامی خود را برای مقابله با نفوذ فزاینده دشمنانش، به‌ویژه رژیم اسرائیل، تنظیم مجدد کند. در کوتاه‌مدت، مسکو ممکن است به دنبال تلافی باشد، چه از طریق عملیات مخفی خود و چه با اعمال فشار بر عوامل مسئول. با این حال، این رویکرد تنها زمانی موفق خواهد بود که با سیاست‌های قاطع‌تر علیه رژیم اسرائیل همراه شود.

نقش جنگ روانی

فراتر از مزایای تاکتیکی فوری، این ترور به‌عنوان ابزاری قدرتمند در جنگ روانی عمل می‌کند. با هدف قرار دادن شخصیتی در سطح کیریلوف، عواملان این ترور پیامی آشکار به روسیه ارسال